

## ویژگی‌های تاریخی و مؤلفه‌های شهرنشینی در عهد ساسانیان (با تأکید بر دوره اردشیر اول)

### دکتر امیر نیمور رفیعی

استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران

### مرجان طاهری دوست

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

دوره ساسانیان بر پایه تجربه‌های پیشین و متأثر از شرایط، ضرورت و نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، شهرنشینی و شهرسازی شتاب فزاینده‌ای گرفت و به‌طور چشمگیری بر تعداد شهرها و جمعیت شهرنشین افزوده شد. این پدیده موجب ظهور جامعه شهری توانمندتری نسبت به گذشته گردید. یکی از دوره‌های پرشکوه در سلسله ساسانی، دوره اردشیر اول است. بررسی خصوصیات دوره اردشیر اول از این جهت حائز اهمیت است که وی شالوده و بنیان یک سازمان اداری-سیاسی را گذاشت که حدود چهارصد سال اداره و مدیریت کشور را در دوره باستان بر عهده داشت و تجربیات ارزنده‌ای را از خود به‌جا گذاشت. این نوشتار بر آن است تا با تأمل بر عناصر و مؤلفه‌های شکل‌دهنده‌ی جامعه‌ی شهری و تحولاتی که در ساختار سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ی شهری ایران در دوره ساسانی و به‌ویژه دوره اردشیر اول اتفاق افتاد، کم و کیف ساختار و سازمان شهری این دوره از تاریخ شهرنشینی کشور را بررسی کند. این مقاله بر اساس هدف مطالعه، از نوع بنیادی و به لحاظ ماهیت و روش مطالعه، توصیفی - تحلیلی است. لذا روش تحقیق از نوع تحقیقات تاریخی است و مطالب پس از گردآوری و توصیف مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

**واژگان کلیدی:** شهرنشینی، ساسانیان، اردشیر اول.

#### مقدمه

شهرنشینی و مؤلفه‌های آن در ایران دوره ساسانی تحول و تکامل شگرفی یافت. اگرچه تجربه‌های کسب‌شده در شهر و شهرنشینی این دوره ریشه در دوره‌های گذشته داشت، اما شهر ساسانی هم از نظر کالبدی و هم از نظر کارکردی تحول و توسعه‌ای بی‌سابقه را تجربه کرده است. شکل‌گیری و توسعه شهرنشینی، اقدامات و تجربیات ساسانیان در زمینه‌ی شهرنشینی و شهرسازی، وضعیت طبقات اجتماعی در شهرهای این دوره، تقسیمات فضایی - کالبدی شهرهای ساسانی، شهرهای این دوره را از شهرهای قبل و بعد از خود متمایز می‌سازد.

بررسی کم و کیف زندگی شهری و تأمل در عناصر و ویژگی‌های جامعه شهری در دوره ساسانی به دلایلی اهمیت و ضرورت دارد:

- از یک سو جامعه شهری در آن دوره نقش مؤثر و سازنده‌ای در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایفا کرده و بدون تبیین ویژگی و ابعاد تاریخی آن، فهم ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن عصر دشوار است؛
- از سوی دیگر بازخوانی روند گذار جامعه ایرانی از عصر باستان به دوره اسلامی، بدون توجه به عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شیوه‌های زیست و تولید در عصر ساسانی، از جمله الگوی زندگی شهری و سطوح رشد و تکامل مناسبات شهرنشینی آن دوره، به نتیجه دلخواه و مطلوب نخواهد رسید.
- احیای حاکمیت متمرکز سیاسی-اداری و رسمی کردن دین زردشتی در کشور از جمله مواردی است که اهمیت مطالعه این دوره را دوچندان می‌کند.

در این دوره شهرسازی و سازمان شهری نیز به شدت از ایدئولوژی و مذهب رایج دولت ساسانی متأثر شد که در آن بر اساس جهان‌بینی حاکم، جهان چهار بخش دارد و شهرها باید طوری ساخته شوند که در راستای چهار جهت اصلی عالم باشند، از لحاظ اجتماعی نیز جامعه به چهار طبقه‌ی اصلی تقسیم شده بود که نوعی نظام کاستی در سازمان اجتماعی دولت ساسانی برقرار کرده بود. ساختار شهرهای ساسانی نیز برحسب نقشه و طرح از پیش اندیشیده شده‌ای ساخته شده است. به‌طور کلی می‌توان گفت ساسانیان از جمله حکومت‌هایی بودند که دارای یک نظام برنامه-ریزی اقتدارگرا بودند که در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیرساخت‌های شهرسازی و حمل‌ونقل و ... تجربیات ارزنده‌ای به‌جا گذاشته‌اند.

### غروب ملوک الطوائفی اشکانی و طلوع حاکمیت متمرکز ساسانی

دیاکو بنیان‌گذار حکومت ماد، پس از رسیدن به قدرت، دژ هگمتانه را ساخت و به گفته هرودوت به دیگر مردمان دستور داد بیرون از حصارها سکونت کنند (هرودوت، ج ۱، ۱۳۳۶: ۱۸۷). در واقع حکومت ماد موجودیت و حضور خود را با تأسیس دژ اعلام کرد. این شهر دژ هسته اصلی شهر ایرانی شد. شهری که در آغاز تنها قلعه‌ای مستحکم بر فراز تپه یا مکانی سوق‌الجیشی بود و در آن سوی باروهای بلندش نقاط زیست کوچک و بزرگ روستایی و عشایری قرار داشتند. دژ مکانی بود که ساکنان آن به حاکم، خانواده و خدمتگزاران و معدودی کارگزاران حکومتی منحصر و محدود می‌شد و دیگر افراد را به درون آن راهی نبود؛ اما این گروه کم شمار از طریق همین استقرارگاه (شهر دژ) نفوذ خود را تا سرزمین‌های دوردست گستراند و بر هر دو جامعه روستایی و ایلی مستقر در پیرامون خود تسلط پیدا کرد. دژ علاوه بر تأمین امنیت مناطق تحت نفوذ خود، تمشیت و ساماندهی روابط و مناسبات مادی و معنوی ساکنان تابع را نیز عهده‌دار شد؛ بنابراین شکل‌گیری توأمان شهر و دولت، پدیده‌های اتفاقی در تاریخ شهرسازی و شهرنشینی ایران نبود (خلعتبری و پرتوی مقدم، ۱۳۸۹: ۵۱-۵۰).

قوم پارس نیز با بنای شهر قدرت پاسارگاد موجودیت و استقلال سیاسی خود را آشکار کرد. با حاکمیت این قوم بر قلمرو ماد و سرزمین‌های وسیعی در درون و بیرون فلات ایران، تجربیات شهرسازی و شهرنشینی غنای بیشتری یافت. حکومت هخامنشی با استفاده از دیوانیان و نظامیان خود در سرتاسر سرزمین‌های تابع هخامنشیان ساختار تمرکزگرایی را به وجود آورد (همان). شهر هخامنشی جایگاه نهادهای حکومتی و مستقر هیأت حاکمه و خواص وابسته به حکومت بود که طبقه یا لایه‌های اجتماعی برتر و ممتاز را تشکیل می‌دادند. هنوز عامه مردمان به‌طور جدی در شهر جایی نداشتند. پیوستگی و وابستگی شدید شهر و سازمان سیاسی مسلط موجب می‌شد تا با سقوط نهاد قدرت، شهر نیز دچار انحطاط و زوال شود. با از میان رفتن ثبات سیاسی و امنیت، شهرها از نظر تکامل اجتماعی به عقب بازگشته و شیرازه امور از هم گسسته می‌شد. فروپاشی هخامنشیان چنین سرنوشتی را برای شهرهای ایرانی رقم زد. کوشش و سماجت اسکندر و سلوکیان برای اشاعه و انتشار فلسفه و نظام اجتماعی هلنی در سرزمین‌های مفتوحه، در ایران پیامد و نتایج اساسی و پایدار نداشت و به شکل تأثیر فرهنگی درنهایت ناپایدار و گذرا در میان خواص ایرانی ساکن در درون حصار شهرها خودنمایی کرد. نواحی روستایی و ایلی خارج از

دیواره‌های شهر، بدون آنکه از حضور یونانیان تأثیر پذیرد، به حیات خود ادامه داد (یارشاطر، ۱۳۷۳: ۲۷). سلوکیان خودمختاری نسبی در را در شهرهای تحت حاکمیت خود اعمال کردند.

جامعه ایلی با محوریت قوم پارتی حاکمیت سلوکی را برانداخت و حکومت اشکانی را بر بخش وسیعی از قلمرو هخامنشی مسلط کرد. این حکومت که ساختاری غیرمتمرکز داشت، حاصل تفاهم دودمان‌ها و خاندان‌های متنفذ و مقتدر ایرانی بود و نوعی خودمختاری منطقه‌ای و ایالتی را به رسمیت شناخت؛ اما این شکل از خودمختاری و استقلال با شهرهای نسبتاً خودمختار سلوکی و مفهوم پولیس و شهر دولت یونانی قرابتی نداشت و با حاکمیت پارتیان، چنین مفاهیم و شهرهایی به تدریج از صحنه سیاسی اجتماعی جامعه ایرانی خارج شدند (ورجاوند، ۱۳۷۰: ۳۹-۳۴).

اردشیر با استفاده از ضعف دولت پارتی در اثر جنگ‌های دائمی با روم و اختلافات محلی و نزاع شاهزادگان اشکانی، علم مخالفت برافراشت و به‌عنوان اینکه سلطنت حق قوم پارسی است نه پارتیان، موفق شد که طرفداران ضد یونانی و ضد اشکانی را به دور خود جمع کند و با برپاداشتن قصور شاهی در منطقه‌ای چون قلعه دختر و شهر اردشیر خوره، طغیان و عصیان خود را نشان دهد و سرانجام در سال ۲۲۶ میلادی نائل شود در مرکز فیروزآباد منار بزرگ و بلند آتشدان مزدیسنا را مشتعل نماید (سرافراز و تیموری، ۱۳۹۲: ۲۴۴). برخلاف حکومت ملوک الطوایفی پارت‌ها، ساسانیان توانستند یک حکومت مرکزی پر قدرت را بنیان نهند و به این وسیله حکومت اشرافی سرکش را کنترل کنند. در واقع با ظهور سلسله ساسانی هم شیوه اداره کشور و هم طبقات اجتماعی تغییر اساسی یافت.

دولت ساسانی وارث پهنه گسترده‌ی سرزمین‌های اشکانی نه تنها به بازسازی و نظریه‌پردازی در سازمان اجتماعی - اقتصادی جامعه تحت نفوذ خویش می‌پردازد، بلکه مشروعیت خویش به‌عنوان حافظ و نگهبان سازمان اندیشه‌ای و فرهنگی جامعه را نیز نظریه‌پردازی می‌کند. دولت ساسانی برخلاف دولت‌های پیشین، با تسلط بر تمامی روابط مادی و معنوی جامعه موفق می‌گردد تا دگرگونی‌های گسترده‌ای را در روابط تولیدی و شیوه‌های مالکیت بر منابع تولید ایجاد کند، بازگشت به مفاهیم کهن تقسیمات کشوری دوران هخامنشی، تقسیم کشور به ساتراپ‌های متفاوت و استقرار فرمانداران دولتی در این مناطق، ضربه‌های عمده‌ای را بر شیوه‌های اداری ملوک الطوایفی دوره اشکانی زد (حبیبی، ۱۳۸۷، ۲۹-۲۸).

در تاریخ کشورهای جهان، فرمانروایان هیچ کشوری به‌اندازه شاهان ساسانی به شهرسازی دل‌بستگی نداشته‌اند. در بین شهریاران سلسله ساسانی یکی از نشانه‌های بهتر رهبری کردن هر

شاهنشاه توجه وی به ساختمان و آبادانی شهر و ساختن شهرهای تازه است (بهرامی، ۱۳۵۶: ۲۱۶). در بین شاهان ساسانی اردشیر اقدام بی سابقه‌ای در ساخت شهرهای جدید کرد. مورخین شرق و غرب راجع به جلال ایرانیان مطالب بسیار نوشته‌اند از جمله مسعودی می‌نویسد: اردشیر بابک ولایت‌ها معین کرد و شهرها پدید آورد (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱ ص ۲۴۳) و نیز سخنرانی اردشیر را در روزگار تاج‌گذاری او چنین آورده است: بدانید ما در راه گستردن داد و روان ساختن نیکی‌ها و استوار کردن یادگارهای خوب و آباد کردن سرزمین‌ها... خواهیم کوشید (همان، ۲۴۲).

### مبارزات اردشیر تا تأسیس سلسله جدید (۲۲۶-۱۸۷ م)

اردشیر در همان دوره کودکی - ظاهراً در حدود ۷ سالگی، به سال ۱۸۷ م - به مقام ارگبدی، یعنی فرماندهی نظامی قلعه و شهر دارابگرد فارس، رسید (نولدکه، ۱۳۷۸: ۴۲). بی تردید، برخی مطالب افسانه‌ای با سرگذشت واقعی او درهم آمیخته است؛ اما این موضوع را می‌توان به درستی استنباط نمود که خاندان ساسانی، از همان آغاز کار، یعنی از زمان ساسان و بابک، جزو نجبای زمین‌دار فارس و احتمالاً وابسته به حاکمان محلی آن حدود بوده‌اند. حتی شاید به گونه غیرمستقیم با خاندان اشکانی پیوستگی داشته و سپس به اقتضای اوضاع و احوال زمانه، علیه آنان دست به شورش و مبارزه زده‌اند. ظاهراً اردشیر چند سال بعد، در پیرامون محل امارت خود، دارابگرد، به فتوحاتی پرداخت (همان، ۴۶-۴۳) و حتی پدر خود، بابک را به طغیان علیه بازرنگیان واداشت. در نتیجه، گوزهر (گوچیهر) با زرنگی به دست بابک کشته شد و پادشاهی پارس به بابک رسید (همان)؛ و در این شرایط، اردوان اشکانی که هم در داخل کشور از طرف برادر و هم از خارج از سوی رومیان، درگیر کشمکش و نبرد همیشگی بود (بهار، ۱۳۷۶، ۱۲۴-۱۲۲)، نتوانست به موقع در برابر نافرمانی و اغتشاش ساسانیان در پارس، واکنش لازم از خود نشان دهد؛ و هنگامی به فکر چاره افتاد که اردشیر، نه تنها ایالت پارس را پس از مرگ یا قتل برادرش شاپور، در تحت فرمان خود آورده و یکپارچه ساخته بود، بلکه ایالت‌های مجاور - یعنی کرمان و اصفهان و خوزستان و احتمالاً بخش جنوبی و ساحلی بین‌النهرین - را نیز به قلمرو خود افزوده بود (نولدکه، ۱۳۷۸، ۴۹-۴۳). در نتیجه، هنگام رویارویی نهایی در جلگه هرمزگان - احتمالاً واقع در حومه گلپایگان - به سال ۲۲۶ م، به قتل آمد و بدین ترتیب، ضربه‌ای قاطع بر پیکر سلسله کهن سال اشکانی وارد گردید (زریاب خوبی، ۱۳۷۸، ۴۲).

در طی دو سال بعد نیز، اردشیر توانست سایر مخالفان خود از خاندان اشکانیان را در نواحی مرکزی و غربی ایران - ایالت ماد بزرگ - به شکست وادارد و سپس به بین‌النهرین مرکزی بتازد و مخصوصاً پایتخت سلسله قدیم، یعنی تیسفون را به سال ۲۲۶ میلادی به تصرف درآورد و در همان سال رسماً به‌عنوان شاهنشاه ایران تاج‌گذاری کند. همین سال را می‌توان به بیانی سال انقراض اشکانیان و تأسیس حکومت ساسانی در نظر گرفت (دینوری، ۱۳۶۴، ۶۸-۶۷؛ پیگولوسکایا، ۱۳۶۷، ۲۲۰؛ نولدکه، ۱۳۷۸، ۴۶).

البته، باید توجه نمود که با تسخیر تیسفون و تأسیس سلسله جدید، مشکلات اردشیر به بیانی تازه آغاز شد؛ یعنی وی تا چند دهه بعد - به‌واقع تا پایان عمرش - هم در داخل کشور با عده‌ای از مخالفان اشکانی خود و هم مخصوصاً در نواحی مرزی، از جمله در حدود ارمنستان که شاخه‌ای از اشکانیان در آنجا حکومت می‌کردند - درگیر مبارزه‌ای سخت، گردید (زرین کوب، ۱۳۸۶، ۴۲۰-۴۱۹). دو بار نیز به نواحی شرق کشور لشکر کشید و آن قسمت‌ها را مطیع خود ساخت؛ و دست‌آخر ناگزیر با رومیان هم دو نوبت به نبرد پرداخت و در نهایت با پراکنده نمودن و برچیدن اتحادیه مخالفان داخلی و خارجی، به رهبری خسرو بزرگ پادشاه ارمنستان - که سکاها، کوشانیان و عده‌ای از نجبا و خاندان‌های پارتی گریخته هم در آن شرکت داشتند و رومیان نیز از ایشان حمایت می‌کردند - ناکامی‌های اولیه خویش را، در حدود آذربایجان (ماد کوچک) و ارمنستان و شمال بین‌النهرین (الحضره یا هتره)، جبران نمود (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۳۴۸-۳۴۷).

#### سیاست‌های اردشیر اول در احیای وحدت سرزمینی

##### الف) استقرار نظام متمرکز اداری و کنترل خاندان‌های ملوک‌الطوایف قدیم

یکی از دستاوردهای اردشیر بابکان، توجه به تمرکز حاکمیت سیاسی و کنترل اشراف و خاندان‌های ملوک‌الطوایف قدیم بود. بنابر منابع، اردشیر در جهت ایجاد و مرمت و گسترش آبادانی شهرها بسیار کوشید و مخصوصاً شهرهای متعددی در بین‌النهرین و فارس به وجود آورد (کریستن سن، ۱۳۶۷، ۱۱۶). این موضوع هنگامی بیشتر حائز اهمیت می‌گردد که در نظر آوریم یک‌راه نیل به اصل تمرکز و وحدت سیاسی - اداری در ایران آن زمان و کاستن از حدود اقتدار خاندان‌های اشرافی و ملوک‌الطوایف قدیم، کنترل نیروی اقتصاد روستایی و نجبای کهن بود که

آنان را به تمکین حکومت نو بنیاد ساسانی وامی داشت (برهمند، ۱۳۸۵، ۴۰)؛ و این سیاست از طریق انتقال اشراف و خاندان های ملوک الطوائف به بزرگ شهرها صورت می گرفت.

به علاوه، تشکیل ارتش و نیروهای مسلح دائمی را هم به دست اردشیر، باید از وسایل و ابزارهای نیل به این اهداف به شمار آورد. مخصوصاً اگر در نظر آوریم که سپاه اشکانی، با تمام قدرت رزمندگی فوق العاده و فنون و روش های نظامی منحصر به فردش، در بخش اعظم دوره پارتی، برخلاف عصر ساسانی، دائمی و همگون نبود و تنها در هنگام نیاز فرمان گردآوری نیروها از سراسر کشور، صادر می گشت (پیرنیا، ۱۳۴۴، ۲۶۶۵-۲۶۶۴). بدین گونه، از این زمان به بعد، به مرور از اختیارات حکام محلی کاسته شد و در عوض، سعی بر آن گردید که از رؤسای ملوک الطوائف و خاندان های مقتدر، به جای استقرار در محل، از ایشان در مرکز حکومت ساسانی، یعنی تیسفون، استفاده شود و بدین ترتیب، با اعطای مناصب بالای اداری، ظاهراً به شکل موروثی آنان را تحت نظارت و تابعیت مستقیم دستگاه مرکزی و شاهنشاه ساسانی قرار دهند و از خودسری و آزادی عمل ایشان بکاهند (کریستن سن، ۱۳۶۷، ۱۲۶).

اردشیر با استفاده از درک و فهم خویش از زمینه ها و شرایطی که منجر به سقوط اشکانیان شد، تصمیم به ایجاد حکومتی وسیع، اما متمرکز گرفت. این امر خود نتیجه طبیعی تلفیق دو عنصر متفاوت بود، از طرفی اسلوب ملوک الطوائف که ساسانیان آن را از اشکانیان به میراث برده بودند و از جانبی حکومت مطلقه دیوانی که خصوصاً در شکل وحدت دین و دولت ظهور یافت و البته هنوز در مراحل آغازین خویش به سر می برد. همه این عوامل منجر به شکل گیری یک نظام سیاسی قدرتمند با تشکیلات اداری و دیوان سالارانه وسیع و متمرکز در کشور شد که به پادشاهان ساسانی این اجازه را می داد که با خودکامگی کامل بر کشور حکومت کنند (زرین کوب و پاشازانوس، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

اداره متمرکز کشور در دوره ساسانی گرچه موجب وحدت کشور و ایجاد امنیت در داخل مرزهای کشور شد اما تسلط پادشاهان ساسانی را بر تمامی روابط مادی و معنوی جامعه بیشتر و بیشتر کرد و همچنین دگرگونی های گسترده در روابط تولیدی و شیوه های مالکیت بر منابع تولید موجب شد وابستگان پادشاه و در رأس آنها نظامیان ثروت های هنگفتی از طریق زمین داری و تملک اموال مردم به دست بیاورند و در واقع تسلط مادی و معنوی پادشاه و نزدیکان وی بر ثروتی که باید بین همه مردم تقسیم می شد، ولی در دست حاکمان و نظامیان بود، موجب افزایش نابرابری و نارضایتی از شیوه اداره کشور شد که خود در نهایت در سقوط ساسانیان نیز بسیار تأثیرگذار بود.

### ب) آمیختگی دین و سیاست

تشکیل دولت ساسانی که در آغاز با محتوای یک اندیشه ترکیبی همراه با آمیختگی دین و سیاست و به دست اردشیر اول ساسانی و با حمایت موبدان و دین‌باوران زرتشتی در ایران‌زمین پدید آمد. اردشیر بابکان در مقطع بحرانی و حساس زمان خود موفق گردید در رأس جریان سیاسی جدیدی قرار گیرد که از بطن جامعه ایران نشأت می‌گرفت و به همین سبب توانست با سرسختی و خردمندی ویژه خود به حل برخی از مشکلات بپردازد. از این‌رو، اقدامات متعدد وی، به‌ویژه اعلان رسمیت دین زردشتی به تسامح، برای تحقق تمرکز سیاسی-اداری در ایران آشفته اواخر عهد اشکانی سازنده و مفید ارزیابی می‌شود که در نتیجه این اقدامات، آثاری پدید آمد که آن‌ها را می‌توان جزو دستاوردهای مثبت دوره فرمانروایی او به شمار آورد (برهنمد، ۱۳۸۵: ۴۳).

بزرگ‌ترین خدمت اردشیر به قوم ایرانی، رسمی کردن دین زردشتی و سعی در ترویج و انتشار آن است که اساس قومیت و ملیت مردم ایران محسوب می‌شده و بی‌وجود آن، زندگانی اجتماعی برای این قوم مشکل بوده است. مذهب زردشتی... قبل از سلسله ساسانی فقط مذهب اکثریت ایرانی‌ها بوده و سمت رسمیت نداشته است (اقبال، ۱۳۶۹: ۲۷۴). همین پیوند دین با فرمانروایی بود که اردشیر قوت و قدرت بخشید. به این ترتیب، برای نخستین بار دین با حکومت آمیخته و نخستین حکومت دینی ایرانیان پا گرفت و مغان و یا به عبارت دیگر، موبدان و روحانیان، حاکم بر همه هنجارهای جامعه شدند و نظام قبیله‌ای دیرین اهمیت خود را از دست داد (رجبی، ۱۳۸۲: ۶۰). به این ترتیب، اردشیر نه تنها فرمانروای سیاسی کشور بود، بلکه حاکمیت دینی را هم مستقیماً در دست داشت (همان).

بنابراین، تغییر سلسله سلاطین فقط یک حادثه سیاسی نبود، بلکه نشانه‌ی پیدایش روح جدیدی در شاهنشاهی ایران به شمار آمد. دو چیز موجب امتیاز دولت ساسانی از دولت متقدم است: یکی تمرکز قوی و استوار، دیگر ایجاد دین رسمی. اگر عمل نخستین را بازگشت به سنت‌های زمان داریوش کبیر بشماریم، عمل دوم را حقا باید از مبتکرات ساسانیان بدانیم (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۱۱۷).



### سیاست توسعه شهری در دوره اردشیر اول ساسانی

اردشیر دست کم در طی حدود ۱۴ الی ۱۵ سال پادشاهی خردمندانه و با کوشش های درنگ ناپذیر خود، حکومتی قدرتمند پی ریزی کرد که به بیانی، گستره آن از آمودریا (جیحون) تا فرات (کریستن سن، ۱۳۶۷، ۱۱۰) و از کوه های قفقاز و دریای خزر (مازندران) تا خلیج فارس و بحر عمان، امتداد داشت؛ و وحدت سیاسی و تمرکز اداری جزو اصول اولیه آن به شمار می آمد (زرین کوب، ۱۳۷۹، ۱۸-۱۷). این امر، به ویژه در اوضاع آشفته و پرتشنج اواخر عهد پارتی بسیار حیاتی به نظر می رسید؛ زیرا ایران آن زمان، بنا به موقعیت حساس خود در غرب آسیا، همواره از شرق و غرب و شمال، در معرض تهاجمات سهمگین اقوام و ملت های مختلف قرار داشت و هرگونه ضعف و درگیری جدی در داخل، بدون تردید، زمینه را برای قتل و غارت بی محابای ایرانیان و ایرانی کشور به دست دشمنان مختلف خارجی، مهیا می نمود. به علاوه، گسترش ادیان بزرگی همچون بودایی و مسیحی از دو سوی کشور و نفوذ شتابان آن دو در بین ایرانیان، می توانست تمهید مناسبی به منظور تسلط سیاسی - نظامی و سپس اقتصادی نیروها و دولت های بیگانه ی رقیب فراهم آورد (نفیسی، ۱۳۳۲، ۷۴-۶۹). از این رو، دولت نوپدید ساسانی از همان بدو شکل گیری خود به اهمیت احیای مجدانه آیین و فرهنگ ملی ایرانی و حتی سعی در راستای پذیراندن آیین مزدیسنا (زردشتی گری) به عنوان کیش ملی و رسمی یا دولتی، آگاه بود؛ بنابراین، یکی از اهرم های لازم برای تحقق وحدت و مرکز سیاسی - اداری در پهنه ایران، اتحاد دین و دولت ساسانی در شخص شاهنشاه، به شمار می آمد (برهمند، ۱۳۸۵، ۳۳).

اردشیر اول در جهت ایجاد و مرمت و گسترش آبادانی شهرها بسیار کوشید و مخصوصاً شهرهای متعددی در بین النهرین و فارس به وجود آورد (کریستن سن، ۱۳۶۷، ۱۶). در زمان اردشیر اول بندرهایی چند نیز در جنوب ایران و بین النهرین، بر ساحل شمالی و در رأس خلیج فارس ساخته شد. این امر حاکی از توجه خاص اردشیر به تجارت، به ویژه، بازرگانی دریایی بود که خود در ایجاد ارتباط میان مناطق دوردست و همچنین وحدت و انسجام در کشور، نقش مؤثر ایفا می کرد (مؤلف گمنام، ۱۳۱۸، ۲۳۹-۲۳۸).

طبری نوشته است که اردشیر هشت شهر بنا کرد که از آن جمله اند:

۱. شهر اردشیر خوره با گور

۲. شهر رام اردشیر در فارس

۳. شهر ریو اردشیر در فارس

۴. شهر هرمز اردشیر (سوق‌الاهواز) در اهواز
۵. شهر هو اردشیر در غرب مدائن (سلوکیه و تیسفون)
۶. شهر استاباد (استرآباد) اردشیر که همان کرخ میشان باشد در سواد (عراق کنونی)
۷. شهر پا اردشیر که همان شهر خط باشد در بحرین
۸. شهر بود اردشیر یا خره در نزدیکی موصل (بهرامی، ۱۳۵۶، ۲۲۰)

اردشیر در کرانه غربی رود دجله مقابل تیسفون شهری ساخت در انتهای غربی مداین که به دیگر سخن سلوکیه و تیسفون بود. این شهرها را «به اردشیر» نامیدند. واژه (به) به معنی (نیک) است مؤلفان منابع دیگر معتقدند که اردشیر شهر جدیدی نساخته بلکه به تجدید ساختمان شهر سلوکیه پرداخته است. در حال بعدها اراضی نواحی (بهرازگرد)، رومیکان (رومیه)، کوت نهرگابور بدین شهر وابسته شدند (مجتهدزاده، ۱۳۸۴، ۳۸).

در تاریخ کشورهای جهان فرمانروایان هیچ کشوری به اندازه شاهنشاهان ایران به شهرسازی دل‌بستگی نداشته‌اند. شاهان ساسانی توجه بسیار به ساختمان شهرها و آبادانی داشته‌اند و تقریباً می‌توان گفت که به نام هریک از آن‌ها یک یا چند شهر وجود داشته است. ساسانیان بانیان بزرگ شهرها بشمار می‌روند و منابع تاریخی از وسعت شهرسازی که تقریباً در زمان همه شاهان این سلسله معمول بود گواهی می‌دهد. طبق آنچه از آثار هرودت، گزنفون، کتزیاس و سایر مورخین و نویسندگان عرب و ایران برمی‌آید شاهنشاهان ساسانی علاوه بر ایجاد سازمان‌های سیاسی و اداری استواری که در آن زمان قسمت اعظم دنیای متمدن را اداره می‌کرد و در عین گرفتاری‌های ممتد در میدان‌های جنگ و جنگ‌های متوالی، هیچ‌گاه از عمران و آبادی و ساختمان شهرها و کاخ‌های با عظمت و باشکوه و بنای پل‌ها و سدها و کاریزها و احداث طرق و شوارع بین شرق و غرب غفلت نورزیدند که بعضی از آثار و بقایای آن عهد هنوز هم در زمان ما قابل استفاده است (بهرامی، ۱۳۵۶، ۲۱۷).

یکی از سیاست‌های ساسانیان در شهرسازی، استفاده از اسیران در ساخت شهر بود. دولت ساسانی در جنگ‌های ایران و روم اسرای جنگی را در نواحی دوردست کشور اسکان می‌داد و در لشکرکشی‌های خود گاهی تمام سکنه یک شهر یا یک ناحیه را کوچ داده در یکی از نقاط داخلی کشور مستقر می‌نمود و به همین مناسبت شهرهایی بنا گردید؛ و نیز به منظور بهره‌مندی از رشته‌های گوناگون صنعتی در کشور و برای کشت و زرع در بیابان‌های لم‌یزرع، از قدیم‌الایام عادت بر این بود اسیران جنگ را به چند گروه تقسیم کرده در قسمت‌های مختلف کشور ساکن

می نمودند و این امر پیروی از رویه پیشینیان بود. چنانکه داریوش عده‌ای از مردم «ارتی» را به خوزستان و اطراف شوش کوچاند و ارد شاهنشاه اشکالی اسپران رومی را که در جنگ کاوه گرفته بود در حوالی مرو جای داد و شاپور اول شاهنشاه ساسانی نیز اسپران رومی را در گندیشاپور سکونت داد و از مهارت رومی‌ها و چون قسمت اعظم این مهاجرین عیسوی مذهب بودند دیانت مسیح در هر گوشه‌ای از ایران اندکی رواج یافت (کریستن سن، ۱۳۶۷، ۲۹۳).

در مورد شهرهای ایران و شهرسازی‌های شهریاران ایران روایات زیادی نقل شده است. تمام این روایات می‌رساند که شاهان ایران مخصوصاً شهریاران ساسانی به شهرسازی اهمیت بسیار می‌دادند و آبادانی و ساختمان شهرها از هزینه‌های مهم خزانه دولت مرکزی بوده است هرچند هزینه ساختمان بیشتر شهرها از غنائم جنگی تأمین می‌گشت. در کتب تاریخ و جغرافیائی که از منابع دوره ساسانی مطالبی در آن‌ها باقی است روایات زیادی در مورد ساختمان شهرها به‌وسیله شاهنشاهان ساسانی به چشم می‌خورد. حمزه پور حسن اصفهانی (متوفی در ۳۶۰ هـ) بیش از دیگران در این باره سخن گفته است. اردشیر مؤسس سلسله خود بانی شهرهای بسیاری است. وی در ظرف چند سال دولت مشقت اشکانی را به واحدی مستحکم مبدل ساخت و چنان سازمانی در سیاست و دیانت ترتیب داد که بیش از چهارصد سال دوام آورد. از نام شهرهایی که با کلمه اردشیر ترکیب شده است معلوم می‌گردد که این شاهنشاه در زمینه شهرسازی نیز فعالیت و اهتمام زیاد به خرج می‌داده است. در مجمل التواریخ و القصص آمده است اردشیر «این همه شهرها تمام کرد اندر کرمان و فارس و سواد و مداین و هریکی را نام خدای تعالی و نام خود نهادست» (مؤلف گمنام، ۱۳۱۸، ۶۲).

#### شکل‌گیری طبقات اجتماعی و جدایی‌گزینی در شهرهای ساسانی

طبقه اجتماعی به بخشی از جامعه اطلاق می‌شود که به لحاظ داشتن ارزش‌های مشترک، منزلت اجتماعی معین، فعالیت‌های دسته‌جمعی، میزان ثروت، دارایی‌های شخصی و نیز آداب معاشرت با دیگر بخش‌های همان جامعه متفاوت است. شاخص‌های متفاوتی برای تعیین طبقه اجتماعی وجود دارد که نژاد، ملیت، جنس، ثروت، شغل، محل سکونت، پیشینه خانوادگی و ... از جمله این شاخص‌ها هستند. در زمان حکومت ساسانیان بر ایران، جامعه اجتماعی آن عصر نیز بر اساس چنین شاخصه‌هایی به چندین طبقه اجتماعی تقسیم شده بود. این طبقات که به لحاظ بهره‌وری از امتیازات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سطوح مختلفی قرار داشتند به‌وسیله حدودی

که حکومت برای آن‌ها مشخص نموده بود از یکدیگر مجزا شده بودند و تضاد طبقاتی فاحشی در میان آن‌ها وجود داشت. به طوری که امکان انتقال از یک طبقه به طبقه دیگر در حالت عادی وجود نداشت و تنها در شرایط خاص امکان چنین جابجایی وجود داشت (اسدالهی، ۱۳۹۱، ۳۳۱-۳۳۲).

در اوستای جدید جامعه‌ی ایرانی را به سه طبقه تقسیم کرده‌اند: یکی روحانی (آثروان (âqravan) دیگر جنگاور (رثه‌ایشتر *raqaê štar*)، دیگر کشاورز (واستریو فشوینت *vâstryôšfuyant*). این طبقه‌بندی از تقسیمات اجتماعی بسیار قدیم است. فقط یک عبارت در اوستا (یسنا‌ی ۱۹، فقره ۱۷) موجود است که از طبقه‌ی چهارمی نام می‌برد و آن طبقه‌ی صنعتگر (هویتی *hû iti*) است (خدادادیان، ۱۳۸۴، ۷۰-۷۳).

کریستن‌سن نیز جامعه‌ی ساسانی را به چهار طبقه تقسیم می‌کند و عنوان می‌کند: چون نوبت به ساسانیان رسید، تشکیلات جدید در جامعه پیدا شد که آن نیز مبتنی بر چهار طبقه بود، تفاوت این شد که طبقه‌ی سوم را دبیران قرار دادند و کشاورزان و صنعتگران را در رتبه‌ی چهارم گذاشتند؛ بنابراین چون طبقه‌بندی اجتماعی را به این نحو با اوضاع سیاسی زمان تطبیق کردند، طبقات اربعه-ی ذیل پیدا شد:

۱- روحانی (آثرون)، ۲- جنگاوران (ارتیشتاران)، ۳- مستخدمان ادارات (دبیران)، ۴- توده‌ی ملت (روستاییان یا واستریوشان) و صنعتگران و شهریان و هوتخشان (کریستن سن، ۱۳۶۷، ۱۱۰). این شکل طبقاتی علاوه بر امتیازات سیاسی و اجتماعی در بافت شهری و شهرنشینی تأثیرگذار بوده و مکان‌ها و محل‌های خاصی را برای هر طبقه برمی‌تافت. «طرز قدیمی طبقه‌بندی سکنه از برکت مذهب حاصل شده بود». عبور از یک طبقه به طبقه‌ی دیگر اگر غیرممکن نبود باید اذهان کنیم که خیلی مشکل و آن‌هم در موارد استثنایی صورت می‌پذیرفت (بارتولد، ۱۳۵۸، ۳۱). با توجه به ساختار طبقاتی جامعه ساسانی و نظام کاستی موجود، کالبد شهر نیز متشکل از سه بخش اصلی بود که عبارت‌اند از:

#### دژ حکومتی

دژ حکومتی یا کهن‌دژ محل سکونت حاکم و اطرافیان او بود و علاوه بر آن مجموعه‌ای کافی از آتشکده‌ی اصلی، دیوان‌ها، سربازخانه‌ها، ذخائر، خزائن و انبارهای آذوقه قرار داشت. این دژ در بالاترین نقطه‌ی شهر و مهم‌ترین نقطه‌ی سوق‌الجیشی ساخته شده بود و توسط موانع طبیعی، بارو و

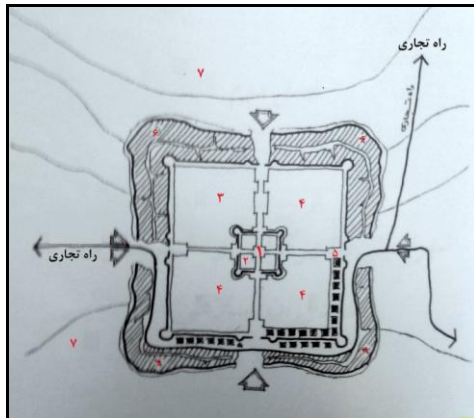
دیوارهای سنگین محافظت می شد و به این ترتیب در برابر تهاجم نیروهای خارجی و مخالفان تجهیز می شد (سلطانزاده، ۱۳۶۷، ۵۴).

### شار میانی

مجموعه ای مرکب از محلات خاص برای استقرار طبقات ممتاز بوده است. نزدیک بودن این طبقات اجتماعی به یکدیگر - چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی - سبب می گردید تا شباهت بسیاری بین خانه و ساکنین شار میانی و کاخها به وجود آید. این بخش عملاً به وسیله دیوارهای سنگین با چهار دروازه به سوی عالم محصور شده بود و بخشی از بازار شهر را در خود داشت. شار میانی در دوره اسلامی به شارستان موصوف گردید (حبیبی، ۱۳۸۷، ۳۳).

### شار بیرونی

مجموعه ای مرکب از محلات، خانهها، بازارها، باغات و مزارع پراکنده در اطراف شار میانی است. آتشکدهها و بازار اصلی را می توان در این بخش از شهر جستجو کرد. شار بیرونی محل استقرار کلیه مردمانی است که در چهار طبقه ممتاز اجتماعی قرار نگرفته و بنابراین در دولت ساسانی نقشی ندارند. آنچه تحت عنوان قهندز، شارستان و ربض در بعضی متون دوران اسلامی، راجع به شهرهای ساسانی ذکر شده همین سه بخش مذکور است (بارتلد، ۱۳۵۸، ۳۱).



- ۱- کاخ شاهی
  - ۲- آتشکده
  - ۳- سربازخانه
  - ۴- انبار
  - ۵- بازار
  - ۶- شهر
  - ۷- زمینهای کشاورزی
- ساختار کالبدی شهرهای ساسانی

منبع: حبیبی، ۱۳۸۷، ۳۵

### شکل شهر در دوره‌ی ساسانی

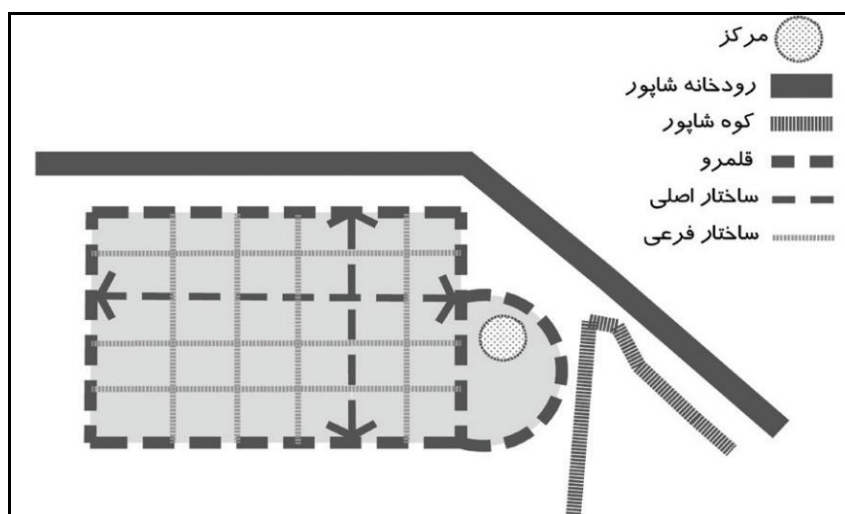
شکل شهرها که می‌توانست به صورت مستطیلی، دایره‌ای، شطرنجی و گاه به صورت اشکال جانوران و اشیاء باشد (مثل شهر شوش که بر مثال باز بود)، برحسب شرایط مکانی و زمانی و نقشی که می‌توانست یک شهر ایفا کند و نیز اعتقادات و باورهای مذهبی و دینی مردم تعیین می‌شد. نقش مذهب و باورها و اعتقادات دینی در شکل شهر، تقسیم شدن آن به محلات مختلف و عناصر شهر یک نقش مهم و تعیین‌کننده بوده است. به طوری که می‌توان روح باورها و اعتقادات مردم را در یک شهر به خوبی جستجو کرد. در واقع نقشه‌ی شهر بازتاب اعتقادات، باورها و طرز تفکر و اندیشه‌ی مردمی است که در محدوده‌ی جغرافیایی شهر زندگی می‌کنند (فرید، ۱۳۷۱، ۹۴). در شهر ساسانی اگر در اکثر شهرها با چهار دروازه در چهار جهت مواجه‌ایم، شاید به جهت آن بود که می‌خواستند شهر به هر چهارسوی جهان مرتبط باشد که این امر ریشه در اعتقادات داشت (حبیبی، ۱۳۸۷، ۲۵).

به نظر می‌رسد که در این شیوه‌ی شهرسازی، آگاهانه ساختن و با طرح و نقشه‌ی قبلی بنا کردن، یعنی شهرسازی برنامه‌ریزی شده، از جایگاه برجسته‌ای در مجموعه‌ی فعالیت‌های شهری برخوردار بوده است. شباهت‌هایی که میان طرح و نقشه‌ی شهرهای ساسانی وجود دارد این نکته را مورد تأیید قرار می‌دهد. (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۶۸: ۲۱۷).

شکل شهرها از دوره‌ی سلوکیان و پارتیان به تدریج در پیروی از قواعد و روال‌هایی کمابیش معین، استوار شده، برخی از شهرها به شکل شطرنجی احداث شدند. اغلب این شهرها دارای دو راه اصلی متقاطع و راه‌ها و کوچه‌ها به موازات آن‌ها بودند. سابقه‌ی چنین طرح‌هایی به مصر باستان می‌رسد و می‌توان آن را زائیده‌ی اندیشه‌ی کسانی دانست که با کشاورزی و نحوه‌ی تقسیم زمین و شبکه‌ی آبیاری آشنا بودند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷، ۷۳-۷۲)؛ اما در ایران طرح شطرنجی، ریشه در تفکرات آریایی و هندی، ایرانی دارد و مفهوم اعتقادی طرح یک شهر Cosmogram (کیهان نگاشت) است، چه مدور، چه مربعی یا شطرنجی.

از جمله شهرهایی که در دوره‌ی ساسانی نقشه‌ی مستطیل داشتند، نیشابور و جندی‌شاپور بودند. شهرهای ساسانی که با طرح و نقشه‌ی قبلی ساخته شده بودند بنا به دلایل عملی همیشه یک نقشه‌ی منظم دارند و آن‌ها اکثراً به شکل مستطیل شبکه‌بندی شده‌اند به‌جز پالان‌های مدور متحدالمرکز که از این الگو مستثنی هستند. استفاده از این طرح و نقشه‌های شهرسازی یک نمونه-ای از تأثیر طرح‌های شهرسازی سنتی و بیگانه است که نتیجه‌ی روابط فرهنگی و ارتباط نزدیک با

ملل هم جوار می باشد؛ اما برای این تأثیر پذیری نمی بایستی ارزش زیادی قائل شد. زیرا طرح های مستطیلی شکل شبکه بندی و سیستم دوایر متحدالمرکز توأم با تقسیم محوره های آن با ظرفیت و قاعده ی منظمی صورت پذیرفته است. وانگهی در فرهنگ و تمدن های دوران مختلف هم صورت های مستطیلی از این گونه اقدامات نمایان می گردد (هوف، ۱۳۶۴: ۱۷۸-۱۷۷).



نمای شماتیک سازمان فضایی شهر بیشاپور ساسانی

منبع: سرافراز و تیموری، ۱۳۹۲، ۱۰۰

### نتیجه‌گیری

با ظهور سلسله ساسانی هم شیوه اداره کشور و هم طبقات اجتماعی تغییر اساسی یافت. یکی از دستاوردهای مهم حکومت اردشیر اول، توجه به تمرکز حاکمیت سیاسی و کنترل اشراف و خاندان‌های ملوک‌الطوایف اشکانی بود. اردشیر اول برای نیل به وحدت سیاسی-اداری در ایران آن زمان و کاستن از حدود اقتدار خاندان‌های اشرافی و ملوک‌الطوایف قدیم به‌جای برخورد قهری با این طبقه که قدرت و نفوذ اجتماعی زیادی در جامعه داشتند، به استقرار اینان در مرکز حکومت ساسانی و همچنین بزرگ شهرهای ساسانی با اعطای مناصب بالای اداری پرداخت و بدین ترتیب علاوه بر انداختن ملوک‌الطوایفی قدیم، به تقویت پایه‌های حاکمیت خودپرداخت و زمینه را برای ایجاد یک امپراتوری عظیم بنیان گذاشت.

ایجاد حاکمیت متمرکز و ایجاد دین رسمی از نقاط عطف حکومت اردشیر اول محسوب می‌شود که اگر اولی را بازگشت به سنت‌های هخامنشیان بشماریم، دومی را حقا باید از ابتکارهای اردشیر دانست. در واقع همین پیوند دین با فرمانروایی بود که اردشیر قوت و قدرت بخشید. به این ترتیب، برای نخستین بار دین با حکومت آمیخته و نخستین حکومت دینی ایرانیان پا گرفت و بدین ترتیب نظام قبیله‌ای و عشیره‌ای دیرین اهمیت خود را از دست داد.

اساس و بنیان ایدئولوژی دولت ساسانی، حفظ و احیای سنت‌های ملی و مذهبی و اتکای بر آیین زرتشتی بود که در این دوره دین رسمی کشور شده بود. از لحاظ مذهبی ساسانیان بر آن بودند که جهان چهار بخش دارد و شهرها باید طوری ساخته شوند که در راستای چهار جهت اصلی عالم باشند. از لحاظ اجتماعی نیز جامعه به چهار طبقه‌ی اصلی تقسیم شده بود که نوعی نظام کاستی در سازمان اجتماعی دولت ساسانی برقرار کرده بود، ساختار شهرهای ساسانی نیز برحسب همین طبقات شکل گرفته بود به طوری که هر یک از طبقات با توجه به اهمیت و جایگاه تعیین شده‌ی خود، در محل مشخصی از شهر استقرار یافته بودند.

ساسانیان در شهرسازی نیز آگاهانه با طرح و نقشه‌ی قبلی به ایجاد شهرهای جدید و بازسازی شهرهای قدیم پرداختند و تجربیات ارزشمندی در اداره کشور و ایجاد ساختار اداری، حمل‌ونقل و ارتباطات، ایجاد زیرساخت‌های شهری، تجارت و روابط با سایر ملل جهان، کشاورزی و صنعت و به دست آوردند که در تاریخ ایران کم‌نظیر است.



منابع

۱. اقبال، عباس، (۱۳۶۹)، اردشیر پاپکان مؤسس سلسله ساسانی، مجموعه مقالات، ج ۱، چ ۱، گردآوری و تدوین سید محمد دبیرسیاقی، تهران دنیای کتاب
۲. آلتهایم، فرانتس، (۱۳۴۳)، آسیا در کشمکش با اروپا، ترجمه‌ی داود منشی‌زاده، تهران، بی‌نا
۳. بارتولد، واسیلی، (۱۳۵۸)، تذکره‌ی جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه‌ی حمزه سردادور (طالب‌زاده)، تهران، انتشارات توس.
۴. برهنمد، غلامرضا، ۱۳۸۵، روند شکل‌گیری دولت ساسانی از نگاهی دیگر، مجله مسکویه، پیش‌شماره ۵.
۵. بهار، مهرداد، ۱۳۷۶، اشکانیان، از اسطوره تا تاریخ، تهران، چشمه.
۶. بهرامی، اکرم، (۱۳۵۶)، شهرهای ساسانی، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۷۰.
۷. پیرنیا، ۱۳۴۴، حسن (مشیر الدوله)، ایران باستان (اشکانیان)، جلد نهم، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران، ابن‌سینا.
۸. پیگولوسکایا، نینا ویکتورینا، (۱۳۶۷)، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه‌ی عنایت‌الله رضا، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. حبیبی، محسن، ۱۳۷۸، از شار تا شهر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. خدادادیان، اردشیر، ۱۳۸۴، تاریخ ایران در دوره‌ی ساسانیان، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۱. خلعتبری، الله‌یار و پرتوی مقدم، عباس، (۱۳۸۹)، ویژگی‌های تاریخی و مؤلفه‌های جامعه شهری ایران در اواخر دوره ساسانیان، تاریخ ایران.
۱۲. دینوری، ابوحنیفه احمدبن داود، (۱۳۶۴)، اخبارالطول، ج ۱، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات نی
۱۳. رجبی، پرویز، (۱۳۸۱)، هزاره‌های گمشده (اشکانیان)، ج ۴، چ ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۴. زریاب خویی، عباس، (۱۳۷۸)، ساسانیان، تهران، دانشگاه آزاد ایران

۱۵. زرین کوب، روزبه و پاشازانوس، حمیدرضا، ۱۳۹۰، نظام سیاسی ساسانی و نظریه پاتریمونیا - بوروکراتیک ماکس وبر، پژوهش‌های تاریخی، دانشگاه اصفهان، دوره جدید، سال سوم، شماره سوم.
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۶، تاریخ مردم ایران پیش از اسلام (مردم در کشمکش با قدرت‌ها)، تهران، امیرکبیر.
۱۷. سرافراز، علی اکبر و تیموری، محمود، ۱۳۹۲، بازشناسی سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور با تکیه بر یافته‌های باستان‌شناسی، فصلنامه هنر و تمدن شرق، سال اول، شماره اول.
۱۸. سلطانزاده، حسین، (۱۳۶۷)، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۹. غلامرضا برهمند، (۱۳۸۵)، روند شکل‌گیری دولت ساسانی از نگاهی دیگر، مجله مسکویه، پیش شماره پنجم.
۲۰. فرید، یدالله، (۱۳۷۱)، جغرافیا و شهرشناسی، تبریز، دانشگاه تبریز.
۲۱. کریستن سن، آرتور، (۱۳۶۷)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، ج ۴، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۲. گیرشمن، رومن، ۱۳۷۰، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی محمد معین، چاپ دهم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. مجتهدزاده، غلام‌حسین، ۱۳۸۴، برنامه‌ریزی شهری در ایران، چاپ چهارم، انتشارات پیام نور، تهران
۲۴. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسن (۱۳۷۴)، مروج الذهب. ج ۱. ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده. تهران، علمی و فرهنگی،
۲۵. مشهدی‌زاده دهاقانی، ناصر، ۱۳۶۸، تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۶. مؤلف گمنام، ۱۳۱۸، مجمل‌التواریخ و القصص، تالیف سال ۵۲۰ هجری، تصحیح ملک الشعراء بهار، تهران، کلاله خاور.
۲۷. نفیسی، سعید، ۱۳۳۱، تاریخ تمدن ساسانی، جلد ۱، تهران، دانشگاه تهران.

۲۸. نولدکه، تئودور، ۱۳۷۸، تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۹. ورجاوند، پرویز. «شهرسازی و شهرنشینی در ایران». شهرهای ایران. ج ۴. به کوشش محمدیوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی.
۳۰. هرودوت، (۱۳۳۶)، تاریخ هرودت. ج ۱، ترجمه، مقدمه، توضیحات و حواشی هادی هدایتی، تهران، دانشگاه تهران.
۳۱. هوف، دیتريش، (۱۳۶۴)، شهرهای دوره‌ی ساسانی، در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۲. یارشاطر، احسان، (۱۳۷۳)، «پیشگفتار» تاریخ ایران پژوهش دانشگاه کمبریج. ج ۳. قسمت اول. ترجمه حسن انوشه. تهران، انتشارات امیرکبیر.
- یدالله فروید، جغرافیا و شهرشناسی، تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۷۱

